



ماننامه آگاهی حقوقی

ارگان نشراتی وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

سال هفتم * شماره ۱۲۵ * ۳۰ عقرب ۱۳۹۲ * 21 * November 2013

تدویر ورکشاپ پنج روزه تحت عنوان آموزش آموزگاران



اداره حمایت از سکور عدلی و قضایی افغانستان (JSSP) روز شنبه مورخ ۱۳۹۲/۸/۴ ورکشاپ پنج روزه ای را تحت عنوان آموزش آموزگاران (TOT) برای کارکنان وزارت عدلیه دایر نمود.

این ورکشاپ که به مدت پنج روز ادامه یافت، در هتل ستاره طلایی واقع شهر لوی کابل دایر گردیده بود و در آن ۱۵ تن از کارکنان ریاست های مختلف وزارت عدلیه اشتراک نموده بودند.

دوین ورکشاپ در مورد موضوعات مهم از جمله اصول آموزش بزرگسالان و تئوری های مربوطه، چگونگی یک تیز سنجی آموزشی مفید و موثر و نحوه انجام آن، چگونگی تهیه و ترتیب مواد و محتوای درس انواع مواد مید درسی و نحوه کاربرد و

استفاده از آنها، ترتیب پلان درسی و مراحل آن، شیوه های مختلف تدریس و چگونگی کنترل یک صنف درسی در وضعیت دشوار، معلومات مفصل ادراله گردید.

این ورکشاپ روز چهارشنبه ۸ عقرب ۱۳۹۲ با اهدای کتدگان درین ورکشاپ اظهار سپاس و قدردانی نموده و وعده سپرد که در آینده برنامه ای پیشرفته تر این برنامه (Master OT) را نیز دایر خواهند نمود.

غصب

تبع و نگارش: درگاه فضالتی

۱- عنصر مادی، غصب در لغت به معنای به عهده گرفتن، ملتزم شدن، ظلم و تعدی کردن آمده است اما غصب در اصطلاح حقوقی عبارت از تسلط جایزانه بر مال یا حق دیگری است. یا به عبارته دیگر غصب تصرف مال دیگری از طریق نامشروع و بدون رضایت صاحب آن می باشد در این صورت شخص متصرف مسوولیت دارد که مسوول تلف عین مال و هم مسوول منافع آن مال می باشد چه این تجاوز عمدی و یا غیر عمدی باشد. غصب کننده را غاصب، مال غصب شده را مغضوب مالک آن را مغضوب منه می گویند.

هکذا غصب در ماده ۸۸۱ مجله الاحکام قسرا در ذیل تعریف شده است: "لغصب هو اخذ مال احد و ضبطه بدون اذنه و یقال لاحد غاصب و للمال المضبوط مغضوب و لصاحبه مغضوب منه"

غصب عبارت است از گرفتن مال کسی دیگر و ضبط آن بدون اینکه صاحبش اجازه دهد. گیرنده این مال را غاصب و مال گرفته شده را مغضوب و کسی را که این مال از او گرفته شده است مغضوب منه گویند.

بعضی از آندیشمندان حقوقی بنه این نظر اند که جهت تحقق غصب دو عنصر مادی و حقوقی لازم است:

۱- عنصر مادی، استیلا بر مال یا حق دیگری به مجردیکه سلطه مالک از مال قطع گردد غصب صورت گرفته است. اگر فردی تنها، مانع شود که مالک در مال خود تصرف نماید و یا از مالش بهره ببرد کاری غصب نیست چرا که فرد غاصب خودش باید مال مغضوب را تصرف کند البته بدون آنکه مالک را از تصرف مالک خارج کند. این عمل مزاحمت نامیده شده است و مالک می تواند از مقامات ذصلاح تقاضای رفع مزاحمت نماید.

۲- عنصر حقوقی، در غصب، تجاوز غاصب اول باید به حق غیر باشد تأثراً بصورت نامشروع باشد تا عنصر حقوقی غصب محقق گردد.

همچنین عده ای از حقوقدانان را عقیده بر این است که غصب حقیقی و حکمی می باشد.

غصب حقیقی: غصب حقیقی استیلا بر حق غیر به نحو عدوان می باشد. بر همین اساس اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز در حکم غصب است (غصب حکمی).

ادامه در ص/۷

خانواده

خانواده از نظر بیشتر مردم عبارت از زن و فرزندان و خویشاوندان مردست و در اصطلاح شرعی خانواده گروه و جماعتی است که زیربنای جامعه را تشکیل می دهند. و بنای آن بر روابط همسری میان زن و مرد استوار است و پیامد آن وجود فرزندی است که به صحنه زندگی گام می گذارند. خانواده در ارتباط نزدیک با پدر کلان، مادر کلان بسوزگ مرد، زن، برادران و خواهران آنها، نواسه های، فرزندان پسر و دختر، کاکا ها، عمه ها، ماما ها، خاله ها و فرزندان آنها می باشد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان نیز در قلمرو (۵۴) ماده خود در مورد خانواده چنین مقرر است: «خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل میدهد و مورد حمایت دولت قرار دارد».

ناگفته نباید گذاشت که در موردقایل قانون مدنی افغانستان در ماده (۵۶) یاد آورده شده است «قابل انسان متشکل از انسانی است که توسط یک اصل مشترک باهم جمع شده باشد».

مفهوم لغوی و شرعی خانواده شامل حمایت، نصرت و وجود روابط نظام همکاری مبنی بر اساس نژاد، خون، نسبی و سبب می باشد.

نظام خانواده: عبارت است از احکام و قوانینی که در آغاز و انتهای زندگی خانواده گی امور و شئون آن را بر سر و سامان می بخشد.

انواع خانواده: خانواده دارای سه نوع است: کوچک، متوسط و بزرگ.

خانواده کوچک: به زن و شوهر و فرزندان محدود می شود.

خانواده متوسط: شامل اقوام و خویشاوندان مانند: پدر، مادر، پدر کلان، مادر کلان، برادر، خواهر، کاکا، عمه، ماما، خاله، و... می شود و این ها کسانی هستند که در ارتباط با اصطلاح «صله رحم» مورد نظر می باشند و رعایت محبت و ارتباط با آنان زمینه ساز برکت در عمر و روزی می شود.

خانواده بزرگ: عبارت از جامعه اسلامی که شامل: همسایگان و دیگران می شود و خداوند اساس ارتباطشان را بر «اخوت» قرار داده و همه را با «محبت» ارتباط متقابل و نظام فراقولنده است و خداوند (ج) فرموده است: «مؤمنین باهم برادرند». آیه (۱۰) سوره الحجرات:

همه جامعه بشری و انسانی را در بر می گیرد و خداوند (ج) همه انسان ها را به تعاون و همبستگی متقابل فراقولنده و همچنان در آیه دیگری فرموده است: ترجمه: «ای مردم! ما شما را از مرد و زنی (به نام آدم و سوا) آفریده ایم و شما را به صورت قبیله و عشیره در آوردیم تا همدیگر را بشناسید (و باهم در ارتباط باشید). آیه (۱۳) سوره الحجرات

اهمیت خانواده:

خانواده مدرسه ای انسانی و ضرورتی اساسی برای پرورش نفس و ادامه زندگی آرام کمک به انتظام جامعه و تقویت آن به عوامل سازنده، ابقا و ماندگاری نوع بشری است.

اما پرورش نفس انسانی متامل رشد جسمی و عاطفی انسان هم از زن و مرد باشد که از طریق ازدواج تحقق می یابد.

از این نظر خانواده پشتیبان نظام اجتماعی و ادامه نسل بشری است که از خلال پایه به صحنه زندگی گذاشتن فرزندان سالم و پاک از نسل، نسب و وجود بشری باسلامی می کند و جامعه را در مقابل بیماری های ناشی از روابط نامشروع مصون می نماید. در زیر چتر خانواده می باشد که در انسان روح فرمانبرداری و احساس مسوولیت برای اثبات ذات و شخصیت و آبیاد نمودن عرصه های زندگی و آموختن ارزش های مانند: ایثار، فداکار، صبر، تحمل، سخاوت، بخشندگی و امانتداری رشد می نماید و نهال اخلاقی، فضیلت و معنی زندگی حقیقی در جامعه ای کوچک رشد و نمو می نماید.

جامعه کوچکی که یار و پشتیبان جامعه انسانی بزرگ تر می باشد و میبایستی برای تربیت منظم و عملی در جهت تحقق معنی و همبستگی اجتماعی مادی و معنوی آن جانی است که برای هر جامعه ای ضرورتی اساسی به شمار می آید. زیرا جامعه را به صورت پیکر واحدی در میدان زندگی مشترک، محبت متقابل، دلسوزی متبادل احساس مسوولیت و گسترش همکاری برای پیشرفت در همه عرصه های زندگی اجتماعی است و سدی را در برابر اندیشه ها و گروه های مخالف و تاجناری ها ایجاد می نماید و از همه انواع غصب مانده گی، تفرش و شیوع بیماری های سه گانه خطر ناک قفتر، نادانی و بیماری جلوگیری می نماید.

پاره از مشکلات خانواده ها در دنیای معاصر:

در اوضاع و احوال کنونی نظام خانواده بسا پاره ای از مشکلات و تاجناری ها روزه روست که گاهی آن را دچار لرزش و فروپاشی می نماید و گاهی هم این مشکلات به خاطر اوضاع و محبت اجتماعی محصلی جهانی و گاهی عامل آنها به ساختار شخصیتی مرد یا زن یا دخالتهای ناروای خویشاوندان یا دوستان و همسایگان برمی گردد.

عواملی که به خود مرد یا زن برمی گردند گاهی از ناگهانی یا ضعف دانش و معرفت زنان و یا طمع ورزی ها و فریب خوردن های مرد در اثر چیزهایی که می بیند یا از آن مطلع می گردد ناشی می شود.

خانواده

و توانایی ها و ویژگی ها، تناسب و شایستگی میان دختر و پسر را مورد توجه قرار می دهند و هر یک از آنان به مسئولیت های فطری و اجتماعی خویش عمل می کنند و مرد از طریق کار و تلاش مخارج زندگی را فراهم می نماید وزن بسه اداره امور منزل و سرپرستی فرزندان می پردازد. در خانواده مسلمان مرد بر اساس مشورت، بررسی، تعاون و هماهنگی که اساس سالم برای هر گونه زندگی اجتماعی است سرپرستی و نظارت را بر دوش دارد.

اساس روابط زن و مرد مسلمان بر اطینان متقابل و در کلام و معاشرت بر اساس اعتبارات انسانی ارزشمند رفتار می نمایند. در رابطه با هزینه های زندگی از ریخت و پاش پرهیز نموده و راه اعتدال را در پیش می گیرند، وزن شوهرش را به کارهای که در حد توان و استعداد او نیست مجبور نمی نماید و در حالت بیماری و بارداری او را مورد مراقبت قرار می دهد.

معیار این روابط مشترک بر اساس میانه روی در جدی بودن، قاطعیت، تسامح، نرمش، عشق، متابعت، احترام متبادل، معرفت، تجمع مخاطرات و مشکلات و پرهیز از افراط و تفریط و تلاش برای جلب رضایت خداوند (ج) است.

رعایت اعتدال در زمینه « فراگیری و جزئی نگری » بدین معناست که خانواده برای سروسامان دادن به امور خود به صورت گام به گام عمل نماید و کاخ زندگی خود را مرحله به مرحله بسازد و برای رسیدن به آرزوها و امید هایش نخواهد که راه یک ساله را در یک روز طی کند و به اندک و حداقل هم قناعت ننماید و بنای روابط خود را بسا خویشتن بر اساس روشی مطلوب و جدی و در عین حال واقع بینی و آرمان گرایی، پایه ریزی کند.

با احترام

منابع و مآخذ:

۱- قرآن کریم.

۲- حدیث (قدسی)

۳- قانون اساسی افغانستان.

۴- قانون مدنی افغانستان.

۵- فقه خانواده.

گاهی فقر اقتصادی خانواده زمینه انحراف زن و گاهی ثروت و تمکن مالی موجب به بیراهه رفتن مرد می گردد و نسبت به خانه، زن، فرزندان بی توجهی می نماید و گاهی هم شخصیت و طبیعت خاص مرد، توقعات و انتظارات بیش از حد معمول، زمینه ناهنجاری در خانواده را فراهم می نماید و در مواردی هم ازدواج بدون اندیشه و تأمل و شتاب زده سبب بروز مشکلات خانواده گمی میشود.

در ارتباط با دخالت خویشاوندان باید گفت که گاهی پدر، مادر، پسر یا دختر در امور مربوط به خانواده تازه تأسیس شده عامل اصلی بروز اختلاف می شوند و این ها غالباً به اخلاق و طبیعت دخالت کننده گان برمی گردد و زن و شوهری را که تازه زندگی مشترک را آغاز کرده اند هم چون کسانی که سال ها از دواج آنها سپری شده و از تجربه و پختگی کافی برخوردارند، تصور می کنند و در نتیجه با دخالت های بی مورد زمینه بروز اختلاف و ناراحتی را میان آنها فراهم می سازند.

ویژگی های نهاد خانواده مسلمان:

خانواده مسلمان خانواده ای است که پایبند مقدرات شریعت الهی و اخلاق و آداب اسلامی می باشد و برای به دست آوردن خیر و منافع این دنیا و دنیای پس از مرگ تلاش می نماید و برای زندگی در جامعه ای سالم با روشی هوشیارانه و اسلوبی آرام برای تحقق سرزندگی دنیا و سعادت آخرت از هیچ سعی و تلاش فروگذار نمی نماید.

به همین خاطر خانواده مسلمان همیشه میان آرمان گرایی و واقع بینی و دیدگاه فراگیری و جزئی نگری و عوامل ثابت و متغیر تعادل لازم را فراهم می نماید. در عرصه آرمان گرایی و واقع بینی، خانواده مسلمان تلاش می کند که از زندگی خوب و سالم و در آمدی کافی و آینده ای روشن و در حال ترقی برخوردار باشد و خیر و سعادت خویش را در عملی نمودن مسئولیت های دینی و احکام اسلامی می داند و هیچ یک از رهنمود های قرآن و سنت را به دست فراموشی و بی مبالائی نمی سپارند. آنان از همان روز های خواستگاری و نگاه های پاک و تفاهم ابتدای با نشست ها و دیدار های صریح و صادقانه و دور از شک و شبه و فریب کاری سنگ بنای سعادت خود را در زمین استوار می نمایند

غصب

دعای غصب از دیدگاه آنان عبارت است از:

۱- تصرف حسی

منظور از تصرف حسی همان ید واقعی است به این مفهوم که غیر مالک بدون مجوز قانونی در مال غیر تصرف کند و بر آن مسلط شود.

۲- ازاله ید قانون

یعنی غاصب، متصرف قانونی را از تصرف در مالش باز دارد.

۳- عدم وجود تصرف ابتدایی

به این معنا که غاصب قبل از شروع به غصب، مال معصومه را از طریق قانونی در اختیار نداشته باشد مثلاً مال بصورت امانت در اختیارش نباشد چرا که از تاریخ امتناع وی از رد مال امانی، وی در حکم غاصب است و غاصب، البته وجود این عنصر برای تحقق غصب در فقه مورد اختلاف است چرا که بعضی وجود آنرا لازم و بعضی لازم نمی دانند.

۴- عدوان

به معنای ظلم و ستم است. برای تحقق عدوان ضروری است که متصرف هنگام تصرف علم به عدم استحقاق خود داشته باشد و اگر از روی جهل باشد تصرف وی عدوانی است.

۵- استیلا

یعنی تصرف بسایه به قهر و غلبه صورت پذیرد.

۶- قصد استیلا، یعنی غاصب قصد داشته باشد که بر معصوم استیلا یا تسلط کلی پیدا نماید.

۷- حق غیر

یعنی مورد غصب حقی غیر باشد چون معصوم ممکن مال باشد ممکن نباشد به همین جهت در این قسمت از حق غیر نام برده است.

۸- امکان بقا معصوم در ید غاصب:

یعنی حق غیر به گونه ای باشد که برای مدتی هر چند کوتاه در ید غاصب باشد.

۹- تعلق معصوم به غیر

یعنی آنچه که مورد غصب واقع می شود باید تعلق به غیر داشته باشد.

۱۰- مال معصوم باید مالک داشته باشد.

آنچه در حکم غصب است:

اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز در حکم غصب است لذا تصرف در مال دیگری در صورتیکه حکم قانونی نباشد در حکم غصب است هر چند که تصرف به صورت عدوانی نباشد فرضاً کسی با اجازه مالک، مالی را به عنوان عاریه در دست دارد سپس بعد از گذشت مدتی مالک آنرا مطالبه می کند اما آن شخص از تسلیم مال خود داری می ورزد. در چنین شرایطی متصرف امین از حدود اذن متعارف خارج می شود. و به تعدی و تفریط دست می زند. بنا بر این همانگونه که می دانیم در چنین شرایطی ید امانی آن شخص به دلیل تعدی و تفریط تبدیل به ید ضمانتی می شود. «الامین یضمن حتی بسا تعدی او تفریط»

از مصداق های دیگری که در حکم غصب است این است که شخصی مال دیگری را به گمان اینکه متعلق به خودش است تصرف کند در حکم غصب است هر چند که عمل او غصب محسوب نمی شود.

مسئولیت غاصب:

در حالیکه عین مال معصوم وجود داشته و تلف نشده باشد و رد آن مال ممکن بوده در این صورت غاصب باید عین آن مال را به صاحب آن مال باز گرداند و لو اینکه مال

معصوم در زمین یا بنا بکار رفته باشد. بسه طور مثال اگر مال معصوم جز مواد ساختمانی باشد که در یک تعمیر یا ساختمان بکار رفته است ولی در صورتیکه در اثر جدا کردن مواد مذکور بنا از هم پاشیده، آن مال تلف شود، در این حالت مالک دیگر نمی تواند در خواست عین را داشته باشد.

در مورد تسلیم نمودن عین مال معصوم ماده ۸۹۰ مجله الاحکام قسار آتی حکم می نماید: «بازم رد المال المعصوب عیناً و تسلیماً الی صاحبه فی مکان الغصب ان کان موجوداً و ان صادف صاحب المال الغاصب فی بلدته اخرى و کان المال المعصوب معه، فان شاء صاحبه استرده هتاک و ان طلب رده فی مکان الغصب فمصارف نقله و مؤنه رده علی الغاصب»

ترجمه: در صورتیکه مال معصوم موجود باشد لازم است که غاصب آنرا جنباً به صاحبش در همانجایی تسلیم بدارد که غصب از آنجا بعمل آمده است.

اگر غاصب معصوم منه را در شهر دیگری در یافت و مال معصوم با وی بود، صاحب مال می تواند آنرا در همان جا بگیرد ولی اگر صاحب مال بخواهد که غاصب آنرا در همانجایی تسلیم دهد که از آن جا غصب صورت گرفته مصارف حمل و نقل آن بدمه غاصب است.

در صورتی استهلاک مال معصوم غاصب ملزم به ضمان می گردد. چنانکه ماده ۸۹۱ مجله الاحکام ذیلا تصریح نموده است: «کما انه یلزم ان یكون الغاصب ضامناً اذا استهلك المال المعصوب کذلک اذا تلف او اضرع بتعدیه او بدون تعدیه بکون ضامناً ایضاً. فان کان من القیمات یلزم الغاصب قیمته فی زمان الغصب و مکانه. ان کان من المثلیات یلزمه اعطاء مثله»

طوریکه بر غاصب ضمان مال معصوم در حال استهلاک لازم می گردد همچنین در صورت اتلاف مال خواه بسه تجاوز غاصب باشد یا بدون تجاوز ضمان بر وی لازم است. در این حال اگر مال معصوم از ذوات القیم باشد پرداخت قیمت مطابق نرخ زمان و محل غصب لازم می گردد و اگر از ذوات الامثال باشد پرداخت مثل آن.

در صورتیکه غاصب مال معصوم را در جایی به صاحب آن تسلیم نماید که غصب صورت گرفته بود در این حالت از ضمان برائت حاصل می کند. در این زمینه ماده ۸۹۲ مجله الاحکام چنین صراحت دارد: «اذا سلم الغاصب عین المعصوب فی مکان الغصب برأ من الضمان»

ترجمه مگر غاصب مال معصوم را در جایی به مالک آن تسلیم داد که غصب صورت گرفته بود از ضمان برائت می یابد. از طرفی ماده ۸۹۳ مجله الاحکام چنین صراحت دارد: «اذا وضم الغاصب عین المعصوب امام صاحبه بصوره یقدر علی اخذه بکون قدره المعصوب و ان لم یوجد قبض فی الحقیقه و امالو تلف المعصوب و وضع الغاصب قیمه اما صاحبه یتلک الصورة ببراءه مالم یوجد قبض فی الحقیقه»

اگر غاصب عین معصوم را جنباً پیش صاحب آن گذاشت که او می توانست اتمال را بگیرد در واقع مال معصوم را به صاحبش مسترد کرده است. گرچه در حقیقت تسلیم بعمل نیامده است اما اگر مال معصوم تلف گردید و غاصب قیمت آنرا سهمین ترتیب پیش صاحب آن گذاشت تا واقعاً آنرا تسلیم نگردد از ضمان برائت نمی یابد. ادامه دارد

مفهوم سیاست جنائی

مقصود از این کنترل از طریق ارگانها و نهادهایی در راه مبارزه با جرم و کنترل آن و پیشگیری از آن نقش دارند میباشد: نتایج مطالعات جلسات و کمیته های عمومی بصورت ۱۰۵ توصیه خطاب به تصمیمگیران کشور ارائه گردید و این توصیه نامه در واقع یک سیاست جنائی بود. وجود این کمیته و کمیسیونها را در سایر کشورهای اروپای غربی و آمریکا نیز میتوان مشاهده نمود. در آمریکا «کمیسیون مشاوره ملی در مورد عدالت کیفری، معیارها و اهداف عدالت کیفری آمریکا» تشکیل گردید و در جهت کنترل و مبارزه با جرم اقدام به یک سلسله مطالعات اساسی نمود. در همین رابطه در کشور کانادایز «کمیسیون اصلاح حقوقی» تشکیل شد. این دو مرجع فی الواقع نقش تعدیل نظر در قوانین جزائی آمریکا و کانادا را برعهده داشتند.

در سوئد شورایی بنام «شورای ملی سوئد پیرامون جلوگیری از جرم» به وجود آمد. پیدایش این شوراها و انجمنها بیان جهت بود که دولت ها مصمم شده بودند که در کنار سایر مسائل مانند: بهداشت، آموزش، ... برنامه مبارزه با جرم بر مبنای مطالعات علمی را نیز مدنظر قرار بدهند. البته این موضوع اساساً از سالهای ۱۹۷۰ به بعد بود که متوجه خشونت و جرم در سطح گسترده شدند.

تحول مفهوم سیاست جنائی در مکان:

بدنیال بوجود آمدن عبارت سیاست جنائی، مطرح شدن آن و سپس تحول معنای آن در زمان و کاربرد آن، مسئله تحول آن در مکان مطرح است. یعنی بدنیال افزایش حجم جرم، سیاست جنائی بین الملل بوجود آمده و دولتها پس از اینکه جراتم در سطح کشورهای مختلف بطور فزایندهای زیاد شد تصمیم گرفتند که به شکل منطقی، ملی، و جهانی با آن مبارزه کنند.

در سطح بین المللی:

در بعد بین المللی دو گونه نهاد بودند که در امر مبارزه مشارکت داشتند.

۱- نهادهای غیر رسمی و عبارتی نهادهایی که وابسته به سازمان ملل بودند. این نهادها عبارتند از:

الف) انجمن بین المللی حقوق کیفری: این انجمن در اوایل قرن بیستم با کوششهای آدلف پرنس برای هماهنگی قوانین کیفری در کشورهای مختلف و تهیه و تدوین حقوق جزائی بین المللی در مقیاسی از زمان تشکیل گردید. لیکن این انجمن بدلیل مخالفتهایی که از سوی دولتها با آن شد به مرحله اجراء در نماند.

ب) جامعه بین المللی جرم شناسی: انجمن مزبور در سال ۱۹۳۴ با هدف ارتقا سطح جرم شناسی در سطح جهانی تأسیس گردید. این انجمن در حال حاضر نقش مشورتی برای سازمان ملل متحد دارد.

ج) انجمن بین المللی دفاع اجتماعی: این انجمن در سال ۱۹۴۷ تشکیل و هدف آن بالا بردن سطح سیاست جنائی مبتنی بر پیشگیری از جرم و درمان مجرمین بود.

۲- نهادهای رسمی (وابسته به سازمان ملل متحد) این نهادها عبارتند از:

الف) کمیته سازمان ملل متحد برای پیشگیری از جرم و درمان و اصلاح مجرمین: این کمیته در سال ۱۹۴۸ تشکیل گردید.

تشکیل این کمیته بیانگر پذیرش مفهوم موسع سیاست جنائی از سوی سازمان یاد شده میباشد. این کمیته هر چهار یا پنج سال یکبار تشکیل میگردد. در سال ۱۹۵۵ قطعنامه های صادر کرد که بیانکننده اصول کلی سیاست جنائی برای کشورهای عضو بوده است. در بخشی از این قطعنامه آمده است: «مجازات و شیوه اجرای آن نباید انسانی گردد. باید به شخصیت مجرم در مراحل تحقیق، حکم و اجرای حکم توجه داشت و بالاخره اینکه بایستی برای اصلاح و درمان مجرمین تلاش کرد».

لذا در این کمیته همواره تأکید بر مسئله تربیتی و پیشگیری از جرم و مطالعه شخصیت مجرم مطرح بوده و سازمان ملل نیز آن را تأیید کرده است.

ب) - موسسه تحقیقاتی دفاع اجتماعی سازمان ملل متحد: این دو موسسه در سال ۱۹۶۸ تأسیس گردید و هدفشان انتقال نتایج مطالعات خود به کشورهای عضو در مورد جرم و عمل جرمی و ایجاد هماهنگی میان تحقیقات مختلف علمی و اجرای سیاست جنائی کشورهای عضو است. این موسسه از موسسات تخصصی سازمان ملل است که در سال ۱۹۸۹ به «موسسه تحقیقاتی پدیده جرمی بین منطقی سازمان ملل متحد» تغییر نام داد.

در سطح مناطق:

۱- در اروپا: در سال ۱۹۵۷ کمیته ای بنام «کمیته اروپائی درباره مسائل جرم» تأسیس شد. هدف این کمیته اعمال نتایج تحقیقاتش در جرم شناسی و سیاست جنائی در کشورهای عضو بود. نقش این کمیته در حال حاضر نقش مشورتی برای کشورهای اروپائی دارد و نمونه آن در مسئله بحران نفتی که در اروپا پیش آمد، قابل مشاهده است. کمیته مزبور این بحران و تأثیر آن را بر جرم مورد مطالعه قرار داده و نیز اثر آن را بر مسئله بیکاری بررسی نمود که شایان توجه است.

۲- در آسیا، موسسه ها و پیمان هایی در این ارتباط بوجود آمده است نظیر: «مکتب طلایی» که در شرق آسیا میان کشورهای چین برمه - تایلند - ... هلال طلایی بین کشورهای ایران و پاکستان و افغانستان جهت مبارزه با مواد مخدر و قساقاقی چنان مربوطه تشکیل گردید. همچنین مؤسسه های بنام «موسسه آسیائی و خاور دور برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین» در سال ۱۹۶۲ در ژاپن تأسیس شد.

در سطح ملی:

در سال ۱۹۷۰ میلادی حرکات عظیمی در کشورهای مختلف در جهت ارتقاء سطح سیاست جنائی، اعم از بعد دانشگاهی و علمی و غیره آغاز گردید. در فرانسه با هفت آقای مارک آنسل در سال ۱۹۷۴ مرکز تحقیقات سیاست جنائی به هدف بالا بردن این سیاست در چهارچوب یک رشته علمی و اجرای برنامه های سیاست جنائی در فرانسه تأسیس شد. در ایران نیز پس از انقلاب در سال ۱۳۶۳، زیر نظر شورای عالی قضائی، مرکزی بنام مرکز مطالعات حقوقی و قضائی تشکیل و مجله فصل نامه حق و انتشار داده است.

هدف این اقدامات، ارتقاء اصول پیشگیرانه و اصلاحگرانه در مورد جرم یعنی عملی کردن اصول قانون اساسی در مورد جرم و عمل جرمی مجرم، میباشد.

د مدنی قانون له نظره عقد

۱- عقد د منقلبو شرط عبارت دی د عقد د دواړه خواوود وجود د عقد د مخصوصو لفظونو او دهغه موضوع څخه چه عقد پری واردیری .

۲- د عقد د صحت شرط عبارت دی د عقد ددواړه خواوو د اهلیت څخه . هغه شی چه عقد پری شوی باید د عقد د حکم قابلیت ولری او دنظام او عمومی ادابو سره د هغی مفیدیت او نه مخالفت . د عقد موضوع :

عقد باید موضوع ولری ، د عقد موضوع ممکنه دمال انتقال ، کار کړنه یا نه کار کول (د کار د نه سر ته رسولو ، د کار څخه خودداری) وی . د عقدونو ویش (تقسیم)

عقد د صحیح او نه صحیح والی په اعتبار په صحیح او فاسد عقد باندی ویشل کیږی .

صحیح عقد په خپل وار سره په نافذ او موقوف عقد ویشل کیږی .

نافذ عقد (جاری عقد) دا ده چی اهلیت لرونکی شخص هغه منقذ کړی لکه د بیع عقد ، نافذ عقد پخپل وار سره په دوه ډولو ، لازم عقد او غیر لازم عقد ویشل شوی دی . لازم نافذ عقد:

لازم نافذ عقد له هغه عقد څخه عبارت ده . چه د دواړو او خونو در ضایت څخه په غیر یو لوری د فسخ عقد نلری مگر دقانون د حکم په اساس لکه د بیع عقد .

غیر لازم نافذ عقد:

د هغه عقد څخه عبارت ده چی دهغه تنفید د شخص هغه شخص چی د انعقاد شرعی او قانونی واک لری د منلو او نه منلو پوری اړه پیدا کوی . نه هغه شخص چی مباحثرتاً (په مستقیمه توگه) عقد کړی ده .

خرنگه چی دملتی قانون (۶۳۷) دموقوف عقد په هکله په لاندی ډول سره مشوره ده .

۱۱- غیر نافذ موقوف عقد د حقوقی اثر نشوالی لری او د هغی څخه د ملکیت ثبوت نه افاده کیږی مگر د هغه شخص په اجازه چه د عقد په موضوع او په هغی کی د تصرف د واک خاوند وی، او د هغه اجازه د صحت د ټولو شرطونو لرونکی وی .

۱۲- د لاندی اشخاصو عقد موقوف گنل کیږی .

۱- فضولی

۱- هغه غوړونکی چه عین مال دوه یم غل د اخیستونکی څخه په غیر په بل چا خرڅ کی .

۳- غصبونکی

۴- نایب یا دنایب وکیل چه د نایب د ټاکلو حدود و څخه عدول وکی .

۵- د عین مروه نه مالک

۶- د هغه مفکرو مالک چه مفکله یی په دهقنستی ور کول شوی وی او تضم د دهقان وی مگر داچه په خاص قانون کی بل رنگه حکم شوی وی .

۷- د مرگ مرض رنځپور چه په خپل وارث یی خرڅ کی .

۸- مختار وصی چه په خپل وارث یی خرڅ کی .

۹- هغه وارث چه پخپل رنځور مورث یی

چه د مرگه په مرض کی وی خرڅ کی .

۱۰- هغه وارث چه په قرض بانندی مستقره متروکه خرڅه کی .

۱۱- ممیز صغیر

۱۲- ممیز معنوه

۱۳- سفیه

۱۴- په غفلت اخته .

ب:- غیر صحیح عقد:

غیر صحیح عقد داسی عقد ده چی د عقد اصلی رکنونه یا شرعی او قانونی یو حکم پکښی اخلال شوی وی چی د عقد د حقوقی اثر او پایلی عقد شمیرل کیږی لکه د حیوان دغوینی ذبیح عقد .

د غیر صحیح عقد ډولونه:

غیر صحیح عقد هغه ډوله ، باطل او فاسد عقد ده . باطل عقد:

د مدنی قانون (۶۰۹) ماده باطل عقد عبارت دی (په کوم عقد کی چه د هغی رکن یا دشرطونو څخه یو شرط موجود نه وی، باطل گنل کیږی)

بر سیره پدی هکله د مدنی قانون (۶۱۳) ماده دا ډول صراحت لری (باطل عقد هغه عقد ده اسلا او وصفا غیر مشروع وی). د مثال په توگه : که د عقد کوونکی څخه یو شخص اهلیت لرونکی نه وی ، یا مال منقوم مال نه وی لکه شراب د ختیزر غوښه . باطل عقد د حقوقی اثر نه درلودونکی عقد ده .

فاسد عقد:

د مدنی قانون د (۶۲۰) ماده په کتو سره داسی عقد ده چی اصلا مشروع او وصفا غیر مشروع وی یعنی دا چی اصلا صحیح او په رکن او موضوع کی خطل موجود نه وی مگر د بعضی خارجی مسوئلو په اعتبار فاسد وی یعنی عقد کوونکی د اهلیت خاوندان وی د عقد موضوع هم صحیح وی مگر په وصف کی خطل موجود وی لکه د مجهول شی بیع .

د نوم ټاکلو او نه ټاکلو په اعتبار عقد په معین غیر معین ، او مختلط بر خو باندی ویشل شوی دی .

الف:- معین عقدونه:

دهغه عقد څخه عبارت ده چی په قانون کی د یو خاص او معین شرایطو تر نامه بیان شوی دی لکه د بیع عقد د اجاره عقد

ب:- غیر معین عقد:

هغه عقد ده چی مشخص او معلوم نوم نلری د دارنگه عقد ژمنی (تعهدات) د یو قرار داد په اعتبار تنظیموی لکه تجارتی اعلاتونه .

ج:- مختلط عقد:

د معین او غیر معین عقدونو مجموعه مختلط عقد ده لکه په هونل کی آستوگنه (انامت).

د عقد دواړه خواوی د ایجاب څخه وروسته د عقد د مجلس تر پایه پوری دقبولولو یا ردولو اختیار لری که ایجابونکی د ایجاب د صادریدو وروسته او د مقابل لوری د قبیلولو تر منځه د خپل ایجاب څخه رجوع وکی یا د عقد د دواړو خواوو څخه د یوه نه داسی وینا یا کار صادر شی چه د قبیلولو څخه په انصراف دلالت وکی نو دارنگه ایجاب باطل دی او تر هغی وروسته قبیلول هم د اعتبار څخه ساقط دی

د مدنی قانون (۵۱۷) ماده .



monthly Agahi Hoquqi

Ministry of Justice's Publication Organ

صاحب امتیاز: وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان
تحت نظر: هیات تحریر
سر دبیره: درگاه فضالی
هیات تحریر: عبدالرحمن عظیمی، فیض الله خواجه امانی، گلالی سنگر خیل عزیز، دوست محمد عارف شفیق الله نبی زاده و محمد عارف صباح
دبیرانیر: سید عابد محمود abd_alhadi@yahoo.com
گزارشگر: بشیر احمد عزیز
آدرس: کابل وزارت عدلیه ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی
آدرس اینترنتی: www.moj.gov.af پست الکترونیکی: agahi.hoquqi@gmail.com
شماره تماس: 93+(0) 700 034 338 - 93+(0) 0752 042 275

سال هفتم • شماره ۱۲۵ • ۳۰ عقرب ۱۳۹۲ • November • 21 • 2013

تدویر سمینار آموزش روش های نوینندگی

گروه مشاوران



روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۱ مطابق به ۱۱/نومبر/۲۰۱۳ وی ارزش سمینار را برای اشتراک کنندگان بهمان و از ایشان میلادی سمینار آموزشی تحت عنوان آموزش روش های نوینندگی به کمک و همکاری موسسه محترم پروگرام نمایند سمینار مذکور مدت سه روز ادامه یافت که در آن حاکمیت قانون بخش عدالت غیر رسمی موسسه چکی برای اعضای امریت آگاهی عامه حقوقی ریاست عمومی مساعدتهای حقوقی وزارت عدلیه دایر گردید. در آغاز آبات چند از کلام الله مجید توسط یک تن از اساتذگان کنندگان تلاوت گردید متعاقباً محترم محمد ولی (هاشمی) جهانی و تنوع فرهنگ ها، ارتقا نظم نوین اطلاعات و ارتباطات جهانی، نوآوری و روش خلاصه نویسی، مراحل خلاصه نویسی و سایر موضوعات دیگر توسط محترم نجیب الله (عزیزی) معین موسسه (قانون غویشنگی) تدریس گردید. در اخیر تصدیق گذاشت و بلافاصله طور موقفانه امورات خویش را انجام می- نامه ها توسط محترم استاد نجیب الله (عزیزی) و محمد ولی (هاشمی) با اشتراک کنندگان توضع گردید.

مفهوم سیاست جنایی

قسمت دوم

۳- مسئله مدیریت اداره عمل جرمی اطفال نیز داخل در این سیاست است البته در کشورهای که دادگاه اطفال دارند.

۴- مسئله بازآموزی مجرم نیز این گونه است.

۵- بایستی آثار تصمیمات و تدابیر نهادهایی که در ارتباط با کنترل جرم اقدام میکنند را مطالعه نمود. بایسان این تحولات در مفهوم سیاست جنایی ایجاد آن را به اختصار ذیلایان میداریم:

۱- سیاست جنایی به معنای امروزه بسیار پیچیده بوده و جنبه علمی (تقری) و هنری (عملی) دارد.

۲- سیاست جنایی علمی است نه جرمی. زیرا که از سایر رشته های علمی در کنار حقوق جزا بهره مند میشود.

۳- سیاست نه ایستا، زیرا که به دنبال مطالعات خود میتواند ابزارهایی را متحول ساخته و تغییر بدهد.

۴- ناظر به آینده است تا عمل مجرمانه را در آینده مهار کند.

۵- سیاست جنایی جنبه قانونی و هنجاری دارد، زیرا که این سیاست بر اساس قانون به اعمالی میریزد که آن را خلاف و جرم دانسته است. لذا طی دو قرن مفهوم سیاست مورد نظر از حالت سرکوبگرانه به حالت اجتماعی رسیده است.

در پایان این مقاله مقید است که اشاره گردد برخی از نویسندگان در امر تحول یاد شده و کاستن بار سیاست جنایی نظراتی ایراز داشته است که حول سه محور است:

۱- کثیر زدانی: نظیر مورد سقط جنین در فرانسه، زمانی که مشاهده کردند که زنان بهر تقدیر و حتی با مسافرت به خارج از کشور اقدام به سقط جنین (که جرم بوده است) مینمایند، تدریجاً مقنن کشور فرانسه جنبه کفیری آن را ساقط نمود و مجازات را از این عمل برداشت.

۲- جرم زدانی: در این مورد همان مثال قبل گویاست که وقتی عملی که جرم بوده است را مقنن جرم نداند، آنگاه است که دیگر مرتکبین آن را نیز مجازات و کفیر نمی نمایند. البته معتقدند که برای کم کردن بار سیاست جنایی باید دامنه جرائم را محدود ساخت و برخی اعمال را جرم ندانست، مانند سقط جنین.

۳- حذف نظام کفیری: این گروه که مخالف کفیر هستند سه پیشنهاد دارند:

الف- لغو نظام کفیری و جایگزین کردن نظامی که جنبه فشار نداشته باشد.

ب- برقراری نظامی که بر حقوق مدنی استوار باشد.

ج- برقراری نظامی که بر حقوق اداری استوار باشد.

سیاست جنایی کاربردی:

۱- سیاست جنایی در سال ۱۸۸۲ میلادی با قانونی که به وجود آمده و منحول شد و از حالت کفیری صرف خارج و به شکل فعلی درآمد. این رشته از سال ۱۹۷۰ نیز جنبه علمی هم به خود گرفت. پیشرفت صنعت و تکنولوژی در اروپا و آمریکا و پیدایش اشکال نوین جرم و رشد جرائم کلاسیک (قدیمی) و جریحه دار شدن افکار عمومی سبب شد قانونگذاران و تصمیمگیران سیاست جنایی، یعنی کسانی که مستقیماً یا غیر مستقیم در تدوین و اجرای سیاست جنایی دخالت دارند، به فکر واداشته شوند. به عنوان نمونه در فرانسه پس از گسترش خشونت و عمل مجرمانه مسئولین آن کشور به فکر اقدامات و یافتن تمایزی در جهت مبارزه با این امر افتادند. در این ارتباط کمیته ای بنام (کمیته مطالعات خشونت و عمل مجرمانه) از طریق ریاست جمهوری تشکیل و پس از یک سال تلاش نتایج مطالعات خود را همراه با توصیه ای در مورد سیاست جنایی تقدیم رئیس جمهور و دولت کرد. این کمیته از حقوقسندان -جرمناسان -جامعه شناسان -پزشکان و مهندسان شهرسازی و... تشکیل شده بود. این کمیته پنج موضوع را مطالعه کرد:

۱- جنبه روانشناسی و جرمشناسی جرم.

۲- نقش شهرسازی و مسکن و تغییرات فرهنگی بر جرم.

۳- رابطه اقتصاد و درآمد و نیز رابطه طبقاتی و جرم (مسئله رنگین پوستان - نژومندان و...).

۴- جوانان و جرائم ارتكابی آنها در آینده و حمایت از آنها در برابر رسانه های گروهی.

۵- مسئله زندانها و کنترل اجتماعی و اثر آن با عمل مجرمانه.

ادامه در ص ۳۱

د مدنی قانون له نظره عقد

زاره محمد عارف (مستاد)

د مدنی قانون له نظره عقد:

عقد د مدنی قانون به خلوص سه اوه نویسه ماده کی دا د هر دوول عقد خنجه د مخی دواړه خواوی په خپلو کی ډول تعریف شوی.

۱- عقد د عقد کوونکی د دواړو خواوو خنجه دیوه د وړاندی موافقه کوی او خپلی ارادی وړاندی کوی ایجاب ارتباط دی دوی خوا د قبولو سره خو د قانون د حکمونو په حدود کینی.

۲- عقد سره د هر یو عقد کوونکی التزامونه دیوه د اړی ظاهرول دویا، لیکنا یا داسی اشاره په وسیله چه به حرف کینی مروج وی کیری همدارنگه دور کوی را کړی د ارادی ظاهرول چه د یوه عقد په حقیقت باندی د عقد ارکان:

د مدنی قانون به نظر سره سم د عقد ارکان عبارت دی:

له . عاقدین { عقد کوونکی }:

د عقد یکل رکن عقد کوونکی دی، چی د عقد په ایجاب کی ارزنده نقش لری، څرنگه چی د مدنی قانون ۵۰۲ ماده داسی صراحت لری .

د عقد اصلی سبب او مقصد

ادامه در ص ۳۱